

{ Email: hossein30848@gmail.com  
{ Mobile: ۰۹۱۹ ۱۶ ۱۰ ۷۱۷

تهیه و تنظیم: حسین خداهی

«به نام الله اولین معلم انسانها»

توضیح ضروری:

منابع پاسخگویی به سوالات، براساس ویرایش سال ۹۳ یک اقتصاد خرد است.

۸- کدام مورد، برای تولید در نقطه‌ای از منحنی امکانات (PCC) برای یک کشور ضروری است؟	
۱) ناکارایی اقتصادی	۲) اشتغال ناقص
۳) عدم ثبات قیمتها	۴) عدم به کارگیری آخرین فناوری‌ها
پاسخ: گزینه «۳»	

مبحث: منحنی امکانات تولید

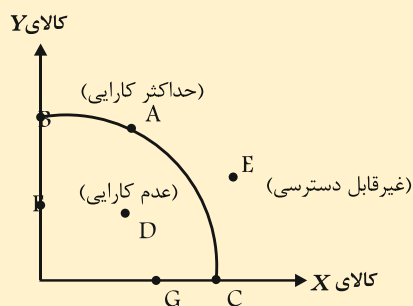
توضیح: با توجه به اینکه این سوال کمی مبهم و نامفهوم است، برای پاسخ به آن از روش حذف گزینه‌های غلط استفاده می‌کنیم:

روش حذف گزینه: گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ غلط هستند، چون وقتی در نقطه‌ای بر روی منحنی امکانات تولید هستیم، در واقع داریم از تمامی امکانات موجود در جامعه (اعم از نیروی کار، زمین، سرمایه، فناوری و ...) استفاده می‌کنیم، در نتیجه در این وضعیت:

اولاً: کارایی اقتصادی وجود خواهد داشت (بخاطر بکارگیری بهینه تمام منابع و امکانات تولید)، پس گزینه ۱ رد می‌شود.

ثانیاً: چون از تمامی نیروی کار موجود استفاده می‌شود، پس در وضعیت اشتغال کامل قرار خواهیم داشت و نه اشتغال ناقص، در نتیجه گزینه ۲ هم رد می‌شود.

ثالثاً: همان طور که در بالا هم اشاره شد، بر روی منحنی امکانات تولید، از آخرین تکنولوژی (فناوری) موجود برای تولید محصولات استفاده می‌شود، بنابراین گزینه ۴ هم غلط است و رد می‌شود.



منحنی امکانات تولید

منبع پاسخگویی: اقتصاد خرد، نظری، فصل ۵ (هزینه)، نکته ۱

منبع در پک: فیش ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۱، ۸۷۰

{ Email: hossein30848@gmail.com  
{ Mobile: ۰۹۱۹ ۱۶ ۱۰ ۷۱۷

تهیه و تنظیم: حسین خداهی

۸۲- کدام پیش‌بینی، توسط مدل تقاضا-عرضه انجام می‌شود؟

(۱) نرخ مالیاتی به منظور تأمین درآمدهای مالیاتی افزایش یابد.

(۲) در صورت وجود مازاد تقاضا، قیمت بالا می‌رود.

(۳) کشش‌های درآمدی بالاتر، قیمت بالاتری را برای کالا تداعی می‌کند.

(۴) بازار در عدم تعادل، همواره به سرعت به سمت تعادل حرکت می‌کند.

پاسخ: گزینه «۳»

مبحث: تقاضا، عرضه و تعادل و کشش

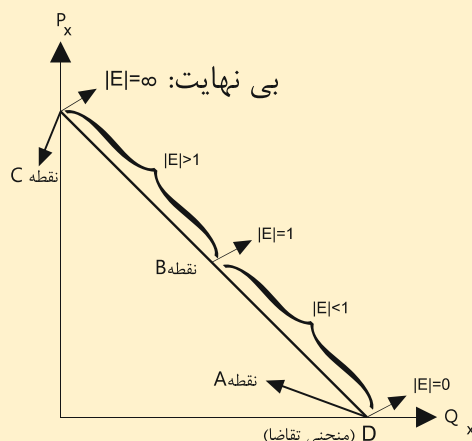
خب، برای پاسخ گویی به این سوال، می‌آییم تک تک گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم:

گزینه ۱: اصولاً مدل تقاضا-عرضه، ارتباطی با بحث نرخ مالیاتی ندارد و این بحث مربوط به منحنی «لافر» می‌شود (که در آزمون پایان فصل ۷ در پک اقتصاد کلان، به آن اشاره کرده‌ایم)، پس گزینه ۱ غلط است.

گزینه ۲: این گزینه درست است، زیرا اگر در بازار مازاد تقاضا وجود داشته باشد، یعنی اگر تقاضا بیشتر از عرضه باشد، آنگاه با توجه به کمبود کالا در بازار نسبت به تقاضای موجود، مشتریان حاضرند که برای کسب آن کالا (یا خدمت) پول بیشتری بپردازند (مانند وضعیت بازار سیاه که هنگام بلیط فروشی در استادیوم‌ها شکل می‌گیرد)، در نتیجه قیمت آن کالا یا خدمت بالا می‌رود، تا جایی که دوباره تقاضا با عرضه برابر شود و به اصطلاح تعادل جدیدی شکل بگیرد.

گزینه ۳: این گزینه غلط است، زیرا اصولاً کشش درآمدی تعیین کننده قیمت کالا نیست، و این دو موضوع به هم ربطی ندارند. یادآوری: کشش درآمدی یک کالا، تنها مشخص کننده نوع آن کالا است که می‌تواند نرمال (ضروری یا لوکس)، پست و یا مستقل از درآمد باشد.

توجه: اما کشش قیمتی کالا با قیمت آن کالا ارتباط دارد، بدین صورت که در کشش‌های قیمتی بالاتر قیمت بالاتری برای کالا وجود دارد، به عبارت دیگر با افزایش قیمت یک کالا کشش قیمتی آن نیز افزایش می‌یابد. برای درک بهتر این مطلب به شکل زیر توجه بفرمائید.



{ Email: hossein۳۰۸۴۸@gmail.com  
{ Mobile: ۰۹۱۹ ۱۶ ۱۰ ۷۱۷

تهیه و تنظیم: حسین خداهی

گزینه ۴: این گزینه نیز غلط است، چون ۲ نوع تعادل وجود دارد: ۱. تعادل پایدار و ۲. تعادل ناپایدار  
توجه: تنها در تعادل پایدار است که وقتی از آن خارج شویم، بازار به طور خودبخودی دوباره به سمت تعادل حرکت می‌کند. اما  
در تعادل ناپایدار، اگر از تعادل خارج شویم، نه تنها دیگر به آن برنمی‌گردیم، بلکه مرتباً از تعادل دورتر می‌شویم.  
نتیجه: پس گزینه ۴ در حالت کلی (برای همیشه) صادق نیست و تنها در صورتی درست است که تعادل پایدار باشد.

منبع: اقتصاد خرد، نظری، فصل ۲

منبع در پک: فیش ۲۲۶

{ Email: hossein۳۰۸۴۸@gmail.com  
{ Mobile: ۰۹۱۹ ۱۶ ۱۰ ۷۱۷

تهیه و تنظیم: حسین خداهی

۹۰- اگر انحصارگر هزینه نداشته باشد، بهترین قیمت ممکن کدام است؟

(۱) جایی که تقاضا دارای کشش واحد باشد. (۲) زمانی که تقاضا نسبتاً با کشش باشد.

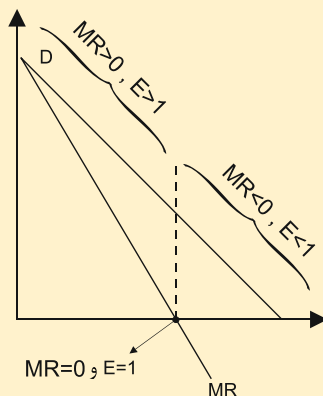
(۳) تقاضا با کشش بی‌نهایت باشد. (۴) تقاضا کاملاً بی‌کشش باشد.

پاسخ: گزینه «۱»

مبحث: بازار انحصار کامل و کشش

اگر انحصارگر هیچ هزینه‌ای نداشته باشد، یعنی اینکه  $TC=0$  است، در نتیجه مقدار همه هزینه‌های دیگر از جمله  $TFC, TVC, AFC, AVC, MC$  صفر خواهد بود. خوب، از آنجا که تعادل انحصارگر از برابری  $MR=MC$  بدست می‌آید و از طرفی هم در این سوال،  $MC=0$  است، پس در نقطه تعادل، درآمد نهایی هم مثل هزینه نهایی، مساوی صفر خواهد شد:  $MR=MC=0$

از طرفی با توجه به شکل زیر می‌دانیم که زمانی که  $MR=0$  است، کالا دارای کشش قیمتی واحد است.



منبع: اقتصاد خرد، نظری، فصل ۳ و ۷

منبع در پک: هینا در فیشی ۱۱۹۹ و ۱۲۰۰

{ Email: hossein30848@gmail.com  
{ Mobile: 0919 16 10 717

تهیه و تنظیم: حسین خداهی

۹۴- تابع تقاضای پول  $M=K.p.y$  را در نظر بگیرید. اگر حجم پول مطلوب ( $M^*$ ) برابر  $M$  نباشد، طبق اصل خنثی بودن پول، متغیری که برای نیل به تعادل تغییر می‌کند، کدام است؟

(۱)  $K$  (۲)  $P$  (۳)  $Y$  (۴)  $M^*$

پاسخ: گزینه «۲»

مبحث: نظریه مقداری پول کلاسیکها

یادآوری:

اصل خنثی بودن پول (یعنی عدم کارایی سیاست های پولی)، اصلی بود که کلاسیکها به آن اعتقاد داشتند.

کلاسیکها نظریه خود را در مورد بازار پول از طریق نظریه مقداری پول مطرح نمودند که آن را می‌توان به شکلهای زیر نمایش داد:

$$M.V = P.T$$

$$M.V = P.Q$$

$$M.V = P.Y$$

$$M = K.P.Y$$

در این نظریه، آنها بر این باور بودند که  $V, T$  ثابت هستند، در نتیجه  $M$  و  $P$  با هم رابطه مستقیم و متناسب دارند، یعنی اگر مثلاً حجم پول دو برابر شود، قیمت‌ها نیز دو برابر می‌شود. یعنی کلاسیکها معتقد بودند که حجم پول تعیین کننده قیمت است، یعنی قیمت در بازار پول تعیین می‌شود.

خب، در این سوال هم برای اینکه  $M$  به سطح مطلوب خود (یعنی  $M^*$ ) برسد،  $P$  باید به همان اندازه و متناسب با  $M$  تغییر کند، بنابراین گزینه ۲ صحیح است.

منبع: اقتصاد کلان، نظری، فصل ۴، نکته ۱۴